

بانو ضیاحتی که در شماره قبل پیرامون شرایط و احکام جد و کفر سرت دادیم، هر شخص مشرف و بی نظری است. بدین خواهد نمود که وقتی دستی بجای کعب افشار و عزت، ذلت و سیدروزی تحصیل کند و بجای اینکه آشکارا و پاکمال قدرت اژملا و حیثیت همنوعان را دفاع کند، در خفا و پنهانی و در نهایت پستی بدزدی دراز شود و با آینه تهلیل و تسامح در قوانین جرائی اسلام نتواند از کفر برهد، چاره‌ای جز تسلیم شدن ندارد. حال اگر کسانی به قوانین کفتری اسلام مخدوساً کفر «قطع بد» خرده گرفته و آنرا دارای یکنوع شدت و قسوت تصور کرده اند ناشی از عدم مطالعه و دقت کافی در نظام حقوقی اسلام است. چون این نظام دارای ابعاد گوناگونی است که با دید یک بعدی بان نگریستن و باستناد همین دید ساده و سطحی درباره آن قضاوت کردن نادر و ظالمانه میباشد. یکی از حقوقدانان در کتاب خود «زمینه حقوق تطبیقی» چنین مینویسد: حقوق اسلامی نظامی است بهم پیوسته و جامع الاطراف و چند بعدی که هیچیک نام از شنبان بدون توجه به شعبه‌های دیگر نمیتواند بنهائی همان نجات و رسم‌گذاری بشر باشد.

حقوق اسلامی نظامی همه جانبه و

## مجازات سرقه

هم پیوسته است هم دارای اسالیف فردی و فردگرا، هم اسالیف اجتماعی و جمع-گرا، است هم بخانواده و هم به محیط، هم باقتصاد و هم باخلاق عالیله اهمیت میدهد. اگر حقوقدانانی بدون در نظر گرفتن اینکه قانون اسلامی ناگزیر باید در محیط اسلامی عمل شود، این نظام را بررسی نماید دست به بعضی اظهار نظرهای نسنجیده و غیر علمی خواهد زد که از عدم مطالعه و دقت کافی وی در اینکه کلیه قوانین اسلامی بر روی هم اثر میکنند ناشی میگردد. و مانند آن میماند که کسی یا نگریشی عسا در آب آرزاشکته بیند ولی زحمت آنرا بخود نهد تا از حس دیگری بنام لامیه معذت گیرد و ببیند آنچه که شکسته میماند بحقیقت شکسته نیست. بلکه این خطای باسره است...

این مثل برای آنست که بدانیم که با یک دید و یک بعد به مسائل اجتماعی نگاه کردن تا چه اندازه نادر و غیر علمی است... (۱)

(۱) صفحه ۳۹۲

## علی حجتی کرمانی

(۴۹)

## زیانهای رژیم زندان

اتفاقاً این قبول اعتراضات و خرده-گیریها در روزگار قدیم نیز بوده است و خرده گیری مفرغ و مناقب بنامها بوالعلاء عمری هنگامیکه مجازات قطع بد را در مورد جرم قتلش تعیین است را سرود:

ید پخته‌س مئین عسجد و دیت

ما بالها قطععت فی ربع دینار

یعنی دستی که با نصد مثقال طلا دید و خونمای آنست چگونه برای ربع مثقال

طلا (۱) بریده میشود !!

که دانشمندی بزرگه و خرده مندی روشنگر در پاسخ وی گفته است:

عز الایمانه الغلاها و ارضها

ذل الخبیثه فافیم حکمة الباری

یعنی: عزت امانت آنرا اگران و پرورش

کرد دولت حیات آنرا پست و بی بها

ساخت. پس حکمت پروردگارا بفهم!

آری دست وقتی از وی دارد که از حدود

خود تجاوز نکند و بسوی اموال دیگران

درآورد که وی هنگامی که بخیاخت سرقه

(۱) حد تصاب سرقه که موجب قطع

دست است با اندازه ۱ مثقال طلا می باشد

آلوده شد، گناه آنرا جریمه نقدی و زندان پاک نخواهد کرد بلکه چنین دستی باید قطع شود تا جنبه عینی و بیرون گرایی داشته باشد و سبب عبرت دیگران گردد نه اینکه دزد را بجای این مجازات به زندان محکوم کنند و بطور رایگان و سائل آسایش و رفاه او فراهم نمایند که چنین مجازاتی نه تنها جنبه پیشگیری و تنبیه ندارد بلکه ممکن است گرایش به خیانت را در مردم تقویت نماید، چه با اتفاق افتاده که دزدی پیش از ظهر از زندان آزاد شده و عصر همان روز بجرم سرقه بزندان بازگشته است!

راستی آنها که با قطع دست دزد مخالفند، پس چرا به ضررهای اقتصادی زندانها و عدم تأمین اجتماعی ناشی از آنها و دهها مضار دیگری که از رژیم زندانها ناشی میگردد توجه ندارند!

دکتر آلکسیس کارل زیست شناس معروف فرانسوی هنگامیکه از رژیم زندانها انتقاد میکند، موضوع جراحت یکی از اعضاء بدن را مطابق با کیفیات مخففه و مشدده جرم پیشنهاد میکند که تقریباً با آنچه حقوق اسلامی در مورد جرم سرقه میگوید، هماهنگ است.

او مینویسد: بالاخره برای ما مسئله حل نشده انبوه فراوان افراد معلول و ضایع‌النظر باقی میماند که چون بارگرانی

بردوش بقیه اجتماع سنگینی میکند ، مخارجی که برای زندانها و تیمارستانها و حفاظت مردم در برابر دزدان اجتماع صرف میشود چنانکه میدانیم سرسام آور است .

از طرف سلبهای تمدن برای حمایت این موجودات تبهکار و زیانبخش اقدامات ناجوزی شده است . . . . . محققاً با بنای زندانهای بزرگتر و محکمتری ممکن نخواهد بود ، همانطوریکه تندرستی افراد با ساختمان بیمارستانهای بزرگتر و مجهزتری تأمین نخواهد شد . ما دیوانگی و جنایت را جز با شناسائی کامل انسان و با اوژنیزم ( ۱ ) و یا تحولی در روش تعلیم و تربیت و شرایط اجتماع خود نمی توانیم از میان برد ، ولی در انتظار چنین روزی مساید در برابر جنایتکاران يك راه علمی در پیش گرفت شاید میبایستی زندانها را از میان برداشت و بجای آن مؤسسات کوچکتر و کم خرج تری ایجاد کرد ، برای تنبیه مقصرینی که گناه بزرگی مرتکب شده اند چند صربه شلاق و یا بطریق علمی تری يك عمل كوچك و چند روز اقامت در يك بیمارستان کافی خواهد بود ( ۲ )

( ۱ ) Eugenisme علم اصلاح اراد

بشر .

( ۲ ) انسان موجود ناشناخته صفحه

۳۳۰-۳۳۱ چاپ پنجم

آیا دکتر کارل هسان مجازاتی را پیشنهاد می کند که اسلام چهارده قرن پیش در مورد سرقت ارائه داده است ؟ منتها با قبود و شروط و نصاب معینی از مال مسروقه و ضوابطی دقیق تر که شرح آن در شماره پیش گذشت .

\*\*\*

در مورد مجازات سرقت و کفیر و قطع ید و یادآوری این نکته دقیق ضروری است که اسلام بطول زندگانی بیشتر توجه کرده تا بر عمر آن ، توضیح اینکه قوانین بشری از طول زندگانی میکشند و مساها فردی را در زندان گرفتار می کنند و قطع چند سده از سرانگشت را مخالف شوند بحیثیت سارق میدانند و حال آنکه زبانهای زندان بیشتر است از آنصمله عدم وسائل دفع نیازحسنی که غالباً منجر بارتکاب اعمال زشتی میشود که صدبار بیشتر بحیثیت و شئون انسانی لطمه وارد می آورد از زیانهای اقتصادی که بر بودجه اجتماع وارد می آید و همچنین نداشتن عدم تأمین اجتماعی از نظر پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم و تنبیه تیمارکاران و ارعاب آنان در مورد رژیم زندانها کاملاً مشهود است ، چه مجازات زندان پنهان از دید افراد اجتماع صورت می گیرد و لذا اثری را که از لحاظ ایجاد رعب و ترس و گرفتن عبرت در افراد بزهکار سر